

متن پرسش

با سلام: متأسفانه سالهاست که ایمان مستحکمی ندارم زمانی تا حدودی مذهبی بودم ولی پس از مدتی در اینکه دین و مذهب حقه کدامست دچار تردید شدم هر چه مطالعه و تحقیق کردم سوالات بسیاری در سایت شما و دیگر سایتها مطرح کردم با علما حتی از بعض ادیان دیگر بحث کردم نتیجه ای حاصل نشد به مرور تردیدهام افزوده شد کم کم رنگ فلسفی گرفت و در نهایت به شکاکیت محض رسیدم و از آن پس عقل در محاق محض است و در قبل شبهات مندک شده است. مدتها در آن فضای تیره زیستم و از آنجا که جز انتحار در مقابل خویش رهی گشوده نمی‌دیدم در فضای پست مدرنیته روزی برای خود گشودم و رجوع مجددی به ادیان متعدد پیدا کردم البته درین فضا انتخابها احساسیست و با توجه به روح سوپزیکتیویته ای که بر من مسیطرست حال خوش هرچا هویدا شد خوشست بنابراین گاه بودایی بودم گاه مسیحی مسلمان چندی پیش هندو اخیرا به عرفا متمایل شدم دوباره تردید حاصل شد خلاصه سرگشته ام و در غاری از شبهات مدفونم سوالاتی از محضر شما دارم: ۱. چه راهی برای یافتن دین برحق وجود دارد؟ ۲. چرا خداوند دین بر حق را سهولتا در اختیار بشر قرار نداد هزاران دین، ده ها هزار فرقه، هر فرقه خود عالمانش قرائتهای مختلفی از آن فرقه دارند. شما قرائت طباطبایی و مجلسی را کنار هم قرار دهید و قس علی هذا ۳. آخرت من چه می‌شود من چه گناهی کردم که ادیان هزاران سال پیش آمدند من نه معجزه ای دیدم و نه با این نقل ها می‌توان به یقین رسید و از یمین و یسار ادیان شبهه می بارد. ۴. تا کی باید به تحقیق ادامه دهم سالها کوشیدم و زندگی درین راه نابود شد و مرارتهای کشیدم از لحاظ روحی تضعیف شدم تا کی آیا تا لحظه مرگ که هر لحظه منتظر قدمش هستم باید تحقیق کرد؟ شاید برای شما مطالعه و تحقیق مفرح باشد و لذت عقلی ببرید اما من که تکلیفا و تکلفا مجبور شدم طبق فتوای علما تحقیق کنم و متأسفانه نتیجه ای نگرفتم جز تلخکامی ازین زندگی کامی نگرفتم. ۵. با توجه به تزلزل فکری ازدواج را چکنم از طرفی به گناه آلوده ام و با این ایمان سست که همین اندک باقی مانده هم ناشی از رسوبات فرهنگیست نمی‌توانم شهوت را مهار کنم و از طرفی ازدواج را جایز نمی‌دانم چون خوف ارتداد دارم. کما اینکه مکررا به سایر ادیان گرایش یافتم یا پارسال دو سه روز کاملا کافر شدم باز شیعه شدم. تابستان امسال هندو شدم، دوباره به تشیع عرفانی گرایش یافتم و اکنون در بی هویتی مطلقم. با این احوال اگر ازدواج کنم و چندی بعد باز مرتد شوم و عقلمان باطل شود حال در حال ارتداد را بگویم بی خیال به روی خود نیاور تو که به چیزی معتقد نیستی به زندگی ادامه بده اما چون بارها از شیعه گسستم و بازگشتم و گویی کبوتر جلد این مکتبم چندی کافر می‌شوم و جلدی بازمی‌گردم درین رجوع مجددست که چون

عقد ایمانی گسسته عقد ما نیز خواهد گسست، درین صورت باید به همسر بگویم که کافر شده بودم و درین صورت سودی ندارد چون توبه مرتد فطری مرگست و افشای این سر سر را به باد می‌دهد و به داد عقد منفسخ من نمی‌رسد و جز سلاخی صلاحی درو نیست.

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: در این دوران باید از مرحله‌ی «باور» به هرچیز بخصوص به امور مقدس به مرحله‌ی یافت وجودی و اگزیتانس خود نسبت به حقایق برسیم وگرنه برای شما و برای بسیاری همین آش است و همین کاسه. و در همین رابطه سال‌ها پیش کتاب «آن‌گاه که فعالیت‌های فرهنگی پوچ می‌شود» تدوین شد. بدین لحاظ «معرفت نفس» کارساز است به شرطی که با آن هم به عنوان «باور» و اُبژه‌کردن موضوع برخورد نشود. موفق باشید